

# زنوزی علیه نشاطِ فوتبال

**جمعه شب فوتبال ایران شاهد اتفاقات عجیبی بود که نقش اول آن را زنوزی مالک تراکتور بر عهده داشت کسی که مدعی است اشتباهات داوری علیه تیمش هد فمند است و او به همین دلیل می تواند از لیگ کناره گیری کند**



**صابری**؛ چند اشتباه داوری در دیدارهای اخیر تراکتور، اگر چه قابل بحث و بررسی فنی بود، اما خیلی زود از زمین فوتبال به فضای بیانیه و جنجال کشیده شد؛ جایی که محمدرضا زنوزی، مالک باشگاه تراکتور، بعد از آخرین مسابقه تیمش اعلام کرد ادامه حضور در این لیگ «دلیلی ندارد». جمله‌ای که تنها اعتراض به یک یا چند سوت نبود، بلکه القای یک بی‌عدالتی ساختاری و همه‌جانبه بود؛ روایتی که فوتبال را از یک رقابت عادلانه، به پروژهای «مهندسی‌شده» تقلیل می‌داد. همین موضع‌گیری، جرعه یک زنجره واکنش را زد؛ از برنامه‌های تلویزیونی و حضور چهره‌هایی مثل رئیس هیئت فوتبال یزد گرفته تا ورود مدیرعامل پرسپولیس. اعتراض به داوری، خیلی زود جایش را به دعوا بر سر مشروعیت لیگ، نقش فدراسیون و حتی تفسیرهای اجتماعی و هویتی داد. فوتبال که برای میلیون‌ها نفر در این روزهای سخت اقتصادی تنها دلخوشی هفتگی است، ناگهان به میدان تسویه حساب‌های مدیریتی بدل شد. این پرونده قرار نیست درباره درست یا غلط بودن یک تصمیم داوری قضاوت کند و نه درباره جدول رده‌بندی یا شانس قهرمانی. مسئله، فراتر از یک تیم و یک مالک است. مسئله این است که چگونه مجموعه‌ای از بیانیه‌ها، اتهام‌ها و تهدیدها، لذت فوتبال را به حاشیه می‌برد و آن را به منبع خستگی، شکاف و فرسایش اجتماعی تبدیل می‌کند؛ مسیری که حالا باید قدم‌به‌قدم مرورش کرد.

### آقای زنوزی، فوتبال گناه دارد

چند ساعت بعد از بیانیه جنجالی، محمدرضا زنوزی تصمیم گرفت اعتراضش را از کاغذ به قاب تلویزیون بیاورد. حضور او در برنامه «شب‌های فوتبال» نقطه‌ای بود که دعوی داوری رسماً از سطح گلایه‌های همیشگی فراتر رفت و به سطح اتهام‌زنی ساختاری رسید. زنوزی در این



### واکنش‌های مثبت و منفی به زنوزی

درواکنش به اظهارات و بیانیه‌های تند مالک تراکتور، این بار نوبت نهاد رسمی فوتبال بود که سکوت را بشکند. سازمان لیگ در بیانیه‌ای نسبتاً صریح، تلاش کرد بحث را از فضای احساسی و اتهامی خارج کندو به منطق بدیهی رقابت فوتبال برگرداند: لحن بیانیه اگر چه محافظه‌کارانه بود، اما پیامش روشن: اعتراض بانفی‌کلی ساختار فرق دارد و منتهم کردن کل لیگ به «مهندسی»، راه‌حل نیست. در بخش مهم‌تری از این واکنش، سازمان لیگ تلویحاً زنوزی را متهم کرد که ناکامی‌های فنی و مقطعی را به احساسات اجتماعی و هواداری گره می‌زند. یادآوری قهرمانی فصل گذشته تراکتور، با همین ساختار، همین فدراسیون و همین داوران، نکته‌ای بود که سخت می‌شد از کنارش گذاشت. سیستمی که دیروز مشروعبیش قهرمانی می‌آورد، چطور یک‌باره به پروژهای فاسد و مهندسی‌شده تبدیل می‌شود؟ پرسشی که بیانیه مستقیم مطرح نکرد، اما در لایه‌های زیرینش حضور داشت.

#### فوتبال ملک شخصی نیست

کلیدی‌ترین جمله اما همان جا بود که تأکید می‌کرد فوتبال «ملک شخصی هیچ فردی نیست». جمله‌ای کوتاه، اما مهم؛ چون دقیقاً انگشت می‌گذاشت روی مسئله‌ای فراتر از داوری و تراکتور: این تصور خطرناک که مالک، اگر نتیجه باب میلش نبود، می‌تواند اصل رقابت را زیر سؤال ببرد یا تیم را از لیگ بیرون بکشد. این جاذیگر پای یک اختلاف ورزشی در میان نیست؛ پای فهم مالکیت، مسئولیت اجتماعی و حق میلیون‌ها تماشاگر وسط است. تقابل اما به بیانیه محدود نماند و خیلی زود به فضای بازیکنان کشیده شد. انتشار استوری‌های حمایتی از سوی شجاع خلیل‌زاده و علیرضا بیرانوند، اگر چه از منظر حرفه‌ای چندان قابل دفاع نیست، اما در چارچوب مناسبات درون باشگاهی تراکتور قابل فهم تلقی می‌شود. به خصوص این که زنوزی مالک است و نه مدیرعامل باشگاه و جلب رضایت او برای بازیکنان اهمیت زیادی دارد.

با داورها؛ توسط رئیس فدراسیون گفت؛ جمله‌ای که بیش از آن که دفاع از شفافیت باشد، ناخواسته شائبه روابط پشت پرده را تقویت می‌کرد. تناقض اصلی همین جا بود: کسی که مدعی مخالفت و افشاگری علیه فساد سیستماتیک است، همزمان از دسترسی‌هایی حرف می‌زند که اساساً نباید وجود داشته باشد. در کنار این اتهام‌ها، بغض، مکث‌های طولانی و عذرخواهی از هواداران استقلال و پرسپولیس تصویر احساسی‌تری از زنوزی ساخت؛ تصویری که بیش از هر چیز می‌کوشید او را در جایگاه «مالک معترض زخم‌خورده» بنشانند. اما درست در همین قاب احساسی، ادبیات به شدت تحریک‌آمیز جریان داشت؛ از تهدید به کنار کشیدن از لیگ گرفته تا زیر سؤال بردن مشروعیت کل مسابقات، مهندسی لیگ‌های قبلی و ادبیاتی که بیشتر آدمین‌های نوجوان پیج‌های هواداری را به ذهن متبادر می‌کند تا یک مالک مولتی‌میلیاردر تیم فوتبال و فعال در صنعت هواپیمایی و... این ترکیب بغض و تهدید، هر چند برای برخی هواداران



#### وقتی فدراسیون رویش را برمی‌گرداند

در این روزهای عجیب فوتبال شاید معنادارترین واکنش‌ها، آن‌هایی بودند که اصلاً دیده نشدند. به‌طور مثال باشگاه استقلال که خوب بیانیه می‌دهد این بار در برابر ادعای زنوزی مبنی بر هزینه‌های ۵ هزار میلیارد تومانی ترجیح داد سکوت کند؛ البته تا لحظه نوشته شدن این مطلب. این خلأ واکنش، عملاً بار مسئولیت را دوباره روی دوش فدراسیون فوتبال و مدیرانش می‌اندازد؛ نهادی که در سال‌های اخیر بیشتر به «مدیریت بحران با تأخیر» عادت کرده تا پیشگیری از بحران. آیا ادعای زنوزی درباره هزینه کرد رقبا صحت دارد؟ تکلیف فیرپلی مالی و سقف قرارداد چه می‌شود؟ البته فوتبال ما با این شکل از اداره، نه یک بحران که زنجره‌ای از بحران‌های انباشته دارد که هر کدام، به جای حل شدن، روی دیگری تلنبار می‌شود. فدراسیون حتی درباره اتهامات زنوزی به رئیس فدراسیون هم سکوت کرده؛ نه تایید، نه تکذیب، نه احضار و محرومیت. رفتاری که با مواضع فدراسیون در

ZENDEGI-SALAM

روزنامه خراسان ضوی

یک شنبه • ۷ دی ۱۴۰۴  
۷ رجب ۱۴۴۷  
۲۸ دسامبر ۲۰۲۵  
شماره ۲۱۹۵۱  
۳۱۷۰

### چند نمونه از اقدامات فدراسیون علیه تراکتور!

تراکتور به لیگ برتر ماشور و ذوق اضافه کرده، تیمی با فوتبالی روان، نهاجمی و تماشاگرانی همیشه پرشور، در این بین اعتراض‌های مکرر این تیم که در زمینه بیانیه نویسی لیگ و رقابت مجزایی را با پرسپولیس و استقلال دنبال می‌کند از جذابیت فوتبال کم کرده؛ اما بر خلاف ادعای زنوزی، فدراسیون با این تیم مخالفت عادلانه به نفع دیگر تیم‌ها ندارد.

#### گرفتگی کنشاله شجاع

یکی از مواردی که فدراسیون هوای تی‌تی‌ها را داشته، به حرکت زشت شجاع خلیل‌زاده برمی‌گردد. جایی که شجاع رو به هواداران رقیب رفتار بدی داشت و کمیته انضباطی فدراسیون فوتبال رأی تخلف او را صادر کرد. بر خلاف انتظار اهالی فوتبال، خبری از محرومیت نبود و همه چیز با پرداخت ۵۰۰ میلیون تومان و یک عذرخواهی حل شد تا تیمش را برای چهار بازی حساس آخر فصل هم همراهی کند. این حرکت را پیشتر بازیکنان دیگری در دنیا انجام داده بودند که با محرومیت‌های حداکثری مواجه شدند، اما برای شجاع و تراکتوری‌ها قصه فرق داشت. البته نباید حرف‌های نامناسب رئیس هیئت فوتبال استان یزد در باره شجاع را هم نادیده گرفت؛ آن هم در پخش زنده.

#### قرارداد پر حاشیه بیرو

شاید بتوان گفت عیان‌ترین سوگیری فدراسیون، به یک نقل و انتقال جنجالی بازمی‌گردد؛ جایی که علیرضا بیرانوند، با وجود داشتن قرارداد مشخص، به شکلی پر حاشیه از پرسپولیس جدا شد و به تراکتور پیوست. اعلام حکم محرومیت او آن قدر به تأخیر افتاد که فصل به پایان رسید. شاید اگر تی‌تی‌ها او را در اختیار نداشتند، قهرمان نمی‌شدند؛ بیرو محروم شد و در دادگاه کاس با این استدلال که بازیکن ملی است بخشیده شد. اما اعلام نشدن همین رای در زمان خودش عامل جنجال‌های زیادی شد.



#### جام حذفی و اشتباه تایپی

پهمن‌ماه سال گذشته و در جریان دیدار تراکتور و پرسپولیس، اتفاقاتی رخ داد که فدراسیون فوتبال طی حکمی اعلام کرد بازی‌های رودرویی این دو تیم در فصل بعد بدون تماشاگر برگزار خواهد شد. اما ماجرا زمانی جالب شد که در قرعه‌کشی جام حذفی، این دو تیم به هم خوردند و میزبان هم تراکتوری‌ها بودند؛ جایی که فدراسیون به‌طور ناگهانی اعلام کرد در حکم صادر شده «اشتباه تایپی» رخ داده و اساساً نباید نام جام حذفی در آن ذکر می‌شده و محرومیت تنها شامل بازی‌های لیگ می‌شود، نه جام حذفی. در حالی است که اشتباه تایپی معمولاً به یک کلمه یا جزئیات کوچک برمی‌گردد و طبیعتاً عبارت «جام حذفی» نمی‌تواند صرفاً یک اشتباه تایپی باشد. اما سوال اصلی این جاست که چرا این حکم درست پیش از برگزاری مسابقه تغییر کرد؟ از سوی دیگر، در همان دیدار هم صحنه‌های بحث‌برانگیزی وجود داشت؛ علیرضا بیرانوند می‌توانست به دلیل هل دادن داور کارت‌زد دوم را دریافت کند، شجاع خلیل‌زاده به خاطر رفتار و حرکاتش مستحق کارت و حتی اخراج بود و در جریان ضربات پنالتی هم بیرانوند پایش روی خط قرار داشت اما پنالتی تکرار نشد تا مجموعه‌ای از تصمیمات بحث‌برانگیز، این مسابقه را بیش از پیش در کانون توجه قرار دهد.

#### خداداد و حاشیه‌های بی‌پایان

خداداد کم‌حاشیه نبوده و حاشیه‌های او آن قدر زیاد است که نمی‌توان آن‌ها را تک‌به‌تک شمرد. تقریباً هر بار که حرکتی از او سر زده، یا محروم نشده یا محرومیتی دریافت کرده که آن قدر بازدارنده نبوده تا خداداد از رفتارش دست بکشد؛ اما در نهایت خداداد هم با جریمه مالی مواجه شد. گویی در این سال‌ها برای فدراسیون همین که جریمه‌ای مالی وجود داشته باشد و خزانه‌اش تأمین شود، کافی است. جالب این که سرپرست رقیب تراکتور صرفاً به خاطر انتقاد از آماده‌نبودن ورزشگاه آزادی بدون هیچ‌بی‌احترامی نسبت به دیگران با محرومیت بیشتری مواجه شد.

